فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی
سال هفتم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۹۳
صفحات ۴۲۵-۴۴۱

نقش بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات بانکی

مصطفی السان *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۲۶

چکیده

بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری ممکن است با یکدیگر یا با بانک مرکزی دچار اختلاف شوند. حل‌وفصل چنین اختلافاتی، اصولاً تابع قواعد عمومی بوده و از طریق محاکم دادگستری انجام می‌شود. بااین‌حال، به موجب مقررات بانکی، در مواردی به‌طور صریح حل‌وفصل اختلافات بانکی به بانک مرکزی واگذار شده است. طراحی سازوکار جامع برای حل‌وفصل اقسام مشخصی از اختلافات بانک‌ها از طریق بانک مرکزی می‌تواند دارای همان مزایایی باشد که در نظریه و در عمل، برای رسیدگی غیردولتی اختلافات مطرح شده است. ازاین‌رو، مقاله حاضر به بررسی نقش بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات بانکی اختصاص دارد.

واژه‌های کلیدی: مقررات بانکی، شیوه‌های غیردولتی، داوری
طبقه‌بندی JEL: K41 ،K22 ،K19

* استادیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی؛ m_elsan@sbu.ac.ir

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۱ مقدمه

اختلافات میان بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری می‌تواند دلایل مختلف و راهکارهای متفاوتی داشته باشد. به‌علاوه، می‌توان سازوکارهای گوناگونی را بسته به موضوع اختلاف یا طرفین آن برای حل‌وفصل معرفی کرد. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود این است که بانک مرکزی، بر اساس مقررات موجود، چه نقشی در حل‌وفصل اختلافات بانکی دارد و در وضعیت مطلوب، چه جایگاهی در این خصوص می‌تواند داشته باشد و سازوکارهای رسیدن به این جایگاه چیست.

مقاله حاضر در پنج بخش تهیه شده است. پس از مقدمه و در بخش ۲، موقعیت بانک مرکزی در نظام حل‌وفصل اختلافات بحث می‌شود. بخش ۳ به توضیح نقش فعلی بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات بانکی می‌پردازد و بخش ۴ به بررسی جایگاه مطلوب بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات بانکی اختصاص دارد. بخش ۵ هم نتیجه‌گیری می‌کند.

۲ موقعیت بانک مرکزی در نظام حل‌وفصل اختلافات

جایگاه بانک مرکزی در نظام حل‌وفصل اختلافات بانکی را ازجمله می‌توان با در نظرگرفتن اختیارات و وظایفی که این نهاد برعهده دارد، مشخص کرد. باید توجه داشت که بانک مرکزی، یکی از نهادهای اصلی سیاست‌گذار در امور پولی و ارزی محسوب شده و ناظر اصلی فعالیت‌های پولی و بانکی به‌شمار می‌آید. همچنین، در قوانین و مقررات مختلف، مصادیقی از اختلاف میان بانک‌ها با یکدیگر یا با بانک مرکزی ذکر شده که در مورد آنها، نظر بانک مرکزی برای بانک‌ها لازم‌الاتباع است، حتی اگر بانک مرکزی یکی از طرفین اختلاف باشد.

این جایگاه، ازجمله از آن جهت توجیه می‌شود که بانک مرکزی نماینده نظم و منافع عمومی در نظام پولی و بانکی به‌شمار می‌آید و به همین دلیل، قاعدتاً باید بانک‌ها ملزم باشند که از هر سازوکاری که بانک مرکزی معرفی می‌کند، تبعیت کنند. باید توجه داشت که چنین تحلیلی در حوزه حل‌وفصل اختلافات با دو اشکال عمده روبه‌رو می‌شود.

اشکال اول اینکه، به موجب قانون اساسی، دادگستری و رسیدگی به تظلمات از وظایف انحصاری قوه قضائیه محسوب می‌شود و با توجه به اصل تفکیک قوا، قاعدتاً قابل واگذاری به نهادهای دیگر نیست. اشکال دوم، با اصل قانونی‌بودن دادگستری ارتباط می‌یابد که به موجب آن، حتی اگر بانک مرکزی مجاز به حل‌وفصل اختلافات بانکی در موارد خاصی باشد، باید در این اقدام، قوانین و مقررات را رعایت کند و نمی‌تواند به امرونهی‌های بی‌ضابطه یا غیرقانونی روی آورد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

به اشکال دوم، نمی‌توان پاسخ داد. درواقع، با در نظر گرفتن «اصل قانونی‌بودن نهادهای عمومی و حکومتی» که در مورد بانک مرکزی نیز اجرا می‌شود، این نهاد ملزم به تبعیت از قانون (در مفهوم عام آن) است. چنین الزامی، ازجمله حوزه حل‌وفصل اختلافات را هم شامل می‌شود.

در مورد اشکال اول باید توضیح داد که ارایه سازوکار برای حل‌وفصل اختلافات از طریق نظام بانکی، ازجمله توسط بانک مرکزی، هرگز به معنای دخالت در حوزه صلاحیت انحصاری قوه قضائیه یا محدودکردن صلاحیت این قوه، برخلاف اصل تفکیک قوا نیست. درحقیقت، صلاحیت قوه قضائیه در حل‌وفصل اختلافات، نافی توافق بر سازوکار غیردولتی برای رسیدگی به دعاوی معین نیست. همان‌گونه که در قانون آیین دادرسی مدنی نیز شیوه‌هایی نظیر سازش و داوری برای پایان‌دادن غیردولتی به مخاصمات به رسمیت شناخته شده است.

۳ نقش فعلی بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات بانکی

در شرایط فعلی، نقش بانک مرکزی کشورمان در حل‌وفصل اختلافات مرتبط با بانک‌ها بسیار محدود و از جهات متعددی مبهم است. با بررسی قوانین و مقررات مصادیق زیر را برای نقش بانک مذکور در حل‌وفصل اختلافات بانکی می‌توان یافت.

۱.۳ نقش بانک مرکزی در رسیدگی به اختلافات شتاب

مقررات حاکم بر مرکز شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی (شتاب)، ضمن مواد ۵۲ تا ۵۴، موازینی را برای حل‌وفصل اختلافات میان اعضای شتاب مقرر داشته است. بررسی مواد مذکور نشان می‌دهد که رسیدگی به اختلافات با محوریت بانک مرکزی انجام می‌شود. بر طبق ماده ۵۲، «به‌هنگام بروز اختلاف میان اعضا در حیطه وظایف مرکز شتاب، چنانچه اعضا نتوانند اختلاف پیش‌آمده را از طریق مذاکره حل‌وفصل نمایند، باید دعوای خود را کتباً به مرکز شتاب تسلیم نمایند». بنابراین، دو شرط مهم برای طرح اختلاف در مرکز شتاب وجود دارد: یکم اینکه، باید اختلاف به‌طور مستقیم در حیطه وظایف مرکز شتاب باشد. ازاین‌رو، اختلافات بین‌بانکی که مربوط به سایر شیوه‌های پرداخت (غیر از مرکز شتاب) باشد، قابل طرح از طریق مرکز نخواهد بود. دوم اینکه، تنها اختلافاتی در مرکز شتاب قابل طرح است که میان بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری عضو این مرکز باشد. درنتیجه، اختلاف بانک با مشتری خود، ولو اینکه مشتری در روند پرداخت خود از شتاب استفاده کرده باشد، قابل طرح در مرکز شتاب نخواهد بود. چنین اختلافی، درصورت

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

داشتن شرایط می‌تواند از طریق محاکم دادگستری که بنابر قاعده صلاحیت عام، اختیار رسیدگی به همه دعاوی را دارند، مورد رسیدگی قرار گیرد.

بنابر ماده ۵۳ مقررات مرکز شتاب، «بانک مرکزی کمیته‌ای مرکب از افراد معرفی‌شده توسط دبیرخانه شورای‌عالی بانک‌ها، مدیریت کل نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و مرکز شتاب را مأمور می‌نماید تا به دعوای تسلیم‌شده رسیدگی نمایند». با توجه به اینکه شورای‌عالی بانک‌ها به موجب قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی منحل شده و وظایف آن به هیئت‌مدیره هریک از بانک‌ها واگذار گردیده، معلوم نیست که به‌جای دبیرخانه شورای‌عالی بانک‌ها، چه نهادی اقدام به معرفی افرادی برای شرکت در کمیته مذکور در ماده فوق خواهد کرد. به‌علاوه، در متن ماده ۵۳ مقررات مرکز شتاب، مشخص نشده کمیته مذکور چند عضو خواهد داشت.

بنابر ماده ۵۴ مقررات مرکز شتاب، «کمیته مندرج در ماده (۵۳) این مقررات، ظرف مدت حداکثر یک‌ماه از تاریخ تسلیم، به دعوا رسیدگی کرده و نظر خود را اعلام می‌نماید. مرکز شتاب نظر این کمیته را پس از تأیید بانک مرکزی به طرفین دعوا ابلاغ خواهد کرد».

با وجود اختصاص این سه ماده به موضوع رسیدگی به اختلافات بین اعضای مرکز شتاب، موارد مبهم بسیاری در خصوص تشریفات رسیدگی، مستندات حکمی (منابع قانونی) برای رسیدگی و تخصص اعضای کمیته رسیدگی وجود دارد. به‌علاوه، ماده ۵۴ در مقام بیان، مشخص نمی‌کند که آیا نظر کمیته برای طرفین اختلاف الزام‌آور (قطعی) است یا اینکه هرکدام از آنها می‌تواند حتی پس از تأیید این نظر توسط بانک مرکزی، آن را نادیده گرفته و دعوای خود را در دادگاه صالح طرح نماید.

با وجود خلأهای فوق، با لحاظ قید «باید» در ماده ۵۲ مقررات مرکز شتاب، باید اظهار داشت که از نظر بانک مرکزی، رجوع به کمیته مذکور در ماده ۵۳، تنها شیوه ممکن برای حل‌وفصل اختلافات بین اعضای مرکز شتاب است. به‌همین‌دلیل، اگر یکی از بانک‌های عضو شتاب دعوای خود را که به‌طور مستقیم در حیطه مرکز شتاب قرار دارد، در دادگاه طرح نماید، دادگاه باید از رسیدگی به آن بخش از دعوا که در حیطه نظام حل‌وفصل اختلاف مرکز شتاب قرار دارد خودداری نماید. در این صورت، خواهان باید ادعای خود را در کمیته ماده ۵۳ مقررات مرکز شتاب طرح نماید. به عنوان دیدگاه مخالف می‌توان گفت که دادگاه الزامی به نفی صلاحیت از خود به نفع یک نهاد غیرقضایی که صلاحیت آن در مقرراتی غیر از «قانون» پیش‌بینی شده، ندارد. این دیدگاه با اصل صلاحیت عام محاکم دادگستری و نیز این حقیقت که سبب رسیدگی در دادگاه با سبب رسیدگی در کمیته حل اختلاف مرکز شتاب تفاوت دارد، تأیید می‌شود، چراکه دادرسی در دادگاه عمومی بیشتر با هدف جبران خسارت

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

از بانک زیان‌دیده انجام می‌گیرد، درحالی‌که تصمیم کمیته حل اختلافات شتاب می‌تواند بانک مرکزی را در جریمه، اخراج یا تعلیق عضویتِ عضو متخلف قانع سازد.

۲.۳ نقش بانک مرکزی در رسیدگی به اختلافات ساتنا

درخصوص نحوه حل‌وفصل اختلافات مربوط به سامانه تسویه ناخالص آنی (ساتنا)، مواد ۴۲ تا ۴۸ موافقت‌نامه ساتنا، مقررات مفصلی را زیر عنوان «داوری و مقررات انضباطی» وضع کرده است. بررسی کلی این مواد نشان از نقش محوری بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات مربوط به ساتنا دارد.

مطابق با ماده ۴۲، «در صورت عدم‌مصالحه دوجانبه، اعضا باید کلیه موارد اختلاف یا مغایرت‌های پیش‌آمده را به اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی گزارش کنند. اداره مزبور تا حد امکان تلاش می‌کند تا موارد مورداختلاف از طریق مصالحه حل‌وفصل شوند. در صورت عدم رفع اختلاف با شیوه مزبور، اداره نظام‌های پرداخت مراتب را به همراه گزارش کارشناسی جهت اتخاذ تصمیم به هیئت داوری ارجاع می‌دهد». با توجه به نقش‌های مختلفی که بانک مرکزی در ساتنا دارد، در مواردی که این بانک به‌عنوان عضو ساتنا[1] با سایر اعضا اختلاف پیدا کند، طی تشریفات مذکور در ماده فوق نسبت به اختلاف یادشده هم ضرورت دارد و بانک مرکزی نمی‌تواند نظر خود را به بانک طرف اختلاف تحمیل نماید. به عبارت دیگر، بانک مرکزی از آن جهت که «عضو» ساتنا یا دیگر نظام‌های پرداخت است، بر سایر بانک‌ها و مؤسسات مالی برتری ندارد.

چنانچه از ماده ۴۲ موافقت‌نامه ساتنا برمی‌آید، هرچند درصورت بروز اختلاف میان اعضای ساتنا، اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی در ابتدا تلاش می‌کند که میان آنها مصالحه برقرار کند، اما هریک از بانک‌های عضو می‌تواند از مصالحه خودداری کرده و ارجاع اختلاف به هیئت داوری مذکور در ماده ۴۳ همان موافقت‌نامه را درخواست نماید. اما در فرضی که طرفین اختلاف به مصالحه راضی شوند، هیچ‌یک از طرفین به‌تنهایی نمی‌تواند از آن عدول کرده و خواهان رسیدگی در هیئت داوری شود.

---

[1] مطابق با بند (۱) ماده ۲۷ موافقت‌نامه ساتنا، یکی از نقش‌هایی که بانک مرکزی می‌تواند در این سامانه داشته باشد، عضویت در آن است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

مطابق با ماده ۴۳ موافقت‌نامه ساتنا، «به منظور داوری و اتخاذ تصمیم در مورد اختلاف بین اعضا، هیئتی با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد:

۱) سه عضو از بانک مرکزی: مدیرکل نظارت بر بانک‌ها، مدیرکل حقوقی و مدیر اداره نظام‌های پرداخت.
۲) یک نماینده از مجموع بانک‌های دولتی به انتخاب اکثریت مدیران عامل آن بانک‌ها.
۳) یک نماینده از مجموع بانک‌های غیردولتی به انتخاب اکثریت مدیران عامل آن بانک‌ها».

ترکیب هیئت فوق نشان می‌دهد که بجز مدیرکل حقوقی، حقوقدان بودن سایر اعضا شرط نیست. به‌منظور حل‌وفصل سریع دعاوی، استفاده از ترکیبی که حقوقدانان متخصص در حوزه حقوق بانکی، اکثریت اعضای آن را تشکیل دهند ضروری است. به‌علاوه، اداره جلسات داوری، تعیین قانون حاکم و تشریفات (آیین داوری) قابل اجرا نیازمند آگاهی حداقل بخشی از اعضای هیئت نسبت به حقوق داوری است.

مطابق با تبصره ۱ ماده ۴۳، «در جلسات هیئت داوری، هریک از طرفین اختلاف می‌توانند دارای یک نماینده بدون حق رأی باشند». تبصره مشخص نمی‌کند که آیا این نماینده حق اظهارنظر یا ارایه مشاوره به هیئت داوری را دارد و در صورت پاسخ مثبت، حدود اختیارات وی در اعلام نظر یا ارایه دیدگاه مشورتی چیست؟ منطقاً نماینده یادشده باید بتواند در حدود متعارف و موضوع اختلاف به نمایندگی از بانک خود اظهارنظر نموده و ادله و مدارک لازم را برای اثبات ادعا یا دفاع از بانک خویش ارایه نماید.

تبصره‌های بعدی همان ماده، مقامات دیگری را پیش‌بینی می‌کند که در هیئت داوری، بدون حق رأی به‌طورکلی یا در شرایط خاص حق حضور دارند. مطابق با تبصره ۳ ماده ۴۳، «مدیران ادارات نظارت بر بانک‌ها و بررسی‌های حقوقی و معاون اداره نظام‌های پرداخت در غیاب مدیران کل نظارت بر بانک‌ها و حقوقی و مدیر اداره نظام‌های پرداخت در جلسات داوری حضور خواهند داشت».

بنابر تبصره ۳ ماده ۴۳ موافقت‌نامه ساتنا، «در مواردی که موضوع اختلاف به بخش اعتباری بانک مرکزی مربوط باشد، مدیرکل اعتبارات بانک مزبور و در غیاب وی مدیر اداره اعتبارات، بدون حق رأی در هیئت داوری حضور خواهند داشت».

تعیین دقیق اعضای هیئت داوری ساتنا به شرح فوق، نشان می‌دهد که غیر از اشخاص یادشده در ماده ۴۳ و تبصره‌های آن، شخص دیگری در جلسات هیئت مذکور حق حضور ندارد. هرکدام از حاضرین، ولو اینکه حق رأی نداشته باشد، می‌تواند ادله و مدارکی را که به پیروزی بانک وی در دعوا یا کشف حقیقت کمک می‌کند ارایه نماید. البته، اداره نظام‌های

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

پرداخت مکلف به ارایه گزارش کارشناسی در موضوع اختلاف است. این گزارش، همان‌گونه که ماده ۴۴ موافقت‌نامه ساتنا هم تصریح کرده، مبنای اصلی رأی هیئت داوری را تشکیل می‌دهد.

«تصمیم هیئت داوری حداقل با سه رأی موافق قطعی و لازم‌الاجرا است» (ماده ۴۵). بنابراین، مرجعی برای تجدیدنظر از این تصمیم پیش‌بینی نشده است. هیئت داوری می‌تواند در فرض متخلف تشخیص‌دادن هریک از طرفین اختلاف، وی را به پرداخت خسارات وارده به بانک مرکزی (به‌عنوان راهبر ساتنا) یا بانک‌ها و مؤسسات مالی عضو ساتنا یا مشتریان ساتنا محکوم نماید. دراین‌صورت، تشخیص میزان خسارات وارده و نحوه جبران آن برعهده همین هیئت داوری خواهد بود (متن و تبصره ماده ۴۷ موافقت‌نامه ساتنا).

تصمیمی که توسط هیئت داوری مبنی بر متخلف‌بودن یک عضو اتخاذ می‌شود، علاوه بر جنبه جبران خسارت می‌تواند آثار دیگری را برای عضو متخلف درپی داشته باشد. مطابق با ماده ۴۶ موافقت‌نامه ساتنا، در صورت تخلف یک عضو از مقررات مربوط به ساتنا یا سایر مقررات، بانک مرکزی می‌تواند حسب نوع و میزان تخلف، به‌طور شفاهی یا کتبی به متخلف اخطار داده، عضویت وی را در ساتنا به حالت تعلیق درآورده، آن بانک را از ساتنا اخراج کرده و یا سایر اقدامات انضباطی را علیه وی اعمال نماید.

به‌عنوان نکته آخر در خصوص حل‌وفصل اختلافات مربوط به ساتنا باید اشاره کرد که، «درصورت مغایرت بین اطلاعات ارایه‌شده توسط اعضا، تنها اطلاعات «ساتنا» قابلیت استناد خواهد داشت» (ماده ۴۸ موافقت‌نامه ساتنا).

۳.۳ نقش بانک مرکزی در رسیدگی به اختلافات پایا

به‌منظور حل‌وفصل اختلافات مربوط به سامانه پایاپای الکترونیکی (پایا)، در موافقت‌نامه این سامانه، مقررات مفصلی به موضوع حل‌وفصل اختلافات اختصاص یافته است. مطابق با ماده ۵۸ موافقت‌نامه پایا، «به‌منظور کارشناسی و رفع مغایرت‌ها و مشکلات، بررسی وضعیت موجود و ارایه پیشنهادهای توسعه‌ای و اصلاحی در پایا، کارگروه تخصصی پایا توسط بانک مرکزی تشکیل می‌شود. این کارگروه متشکل از نمایندگان اعضا و بانک مرکزی است. ریاست کارگروه تخصصی پایا برعهده بانک مرکزی است».

ماده ۵۹ همان موافقت‌نامه در بیان وظایف و اختیارات کارگروه تخصصی پایا مقرر می‌دارد: «کارگروه تخصصی پایا، در خصوص اختلافات عملیاتی و مغایرت‌های پدیدآمده ناشی از عملکرد سامانه یا نحوه کارکرد اعضا در سامانه بررسی‌های لازم را انجام داده و نظر

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

خود را اعلام می‌کند. کارگروه تخصصی پایا همچنین به‌منظور تسریع در فرایند رسیدگی می‌تواند در خصوص موارد مشابه و مکرر، رویه‌های عملیاتی به بانک مرکزی پیشنهاد کند». پیشنهاد رویه، به‌ویژه برای پیشگیری از تصمیم‌گیری‌های متفاوت در موارد مشابه ضروری است. هرچند رویه‌ای که از سوی کارگروه تخصصی پایا به بانک مرکزی پیشنهاد می‌شود، الزامی برای بانک مذکور در خصوص تصمیم‌گیری منطبق با همان رویه ایجاد نمی‌کند.

کارگروه تخصصی پایا، یک مرجع بدوی حل اختلافات میان اعضای پایا به‌شمار می‌آید. بر طبق ماده ۶۰ موافقت‌نامه پایا، «درصورتی‌که اختلاف میان اعضا مطابق با نظر کارگروه تخصصی پایا حل نشده و یا طرفی نسبت به نظر اعلام‌شده اعتراض داشته باشد، دبیرخانه کارگروه تخصصی پایا مراتب را به همراه گزارش کارشناسی جهت اتخاذ تصمیم به هیئت داوری ارجاع می‌دهد». متأسفانه در ماده، مهلتی که در آن می‌توان به نظر کارگروه اعتراض کرد تعیین نشده و همین امر اختیار نامحدودی را ـ به لحاظ زمانی ـ جهت اعتراض برای اعضای پایا موجب می‌شود.

اعضای هیئت داوری پایا در ماده ۶۱ موافقت‌نامه پایا مشخص شده‌اند. «به‌منظور داوری و اتخاذ تصمیم در مورد اختلاف بین اعضا، هیئت داوری با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد:

۱) مدیرکل حقوقی یا مدیر اداره دعاوی حقوقی بانک مرکزی؛
۲) مدیرکل نظارت بر بانک‌ها یا مدیر اداره نظارت بر بانک‌ها؛
۳) مدیر اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی؛
۴) یک نماینده از مجموع بانک‌های دولتی به انتخاب مدیران عامل آن بانک‌ها؛ و
۵) یک نماینده از مجموع بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی به انتخاب مدیران عامل آن بانک‌ها».

هیئت داوری پایا، از تشریفات خاصی تبعیت نمی‌کند. البته، این هیئت از حیث ادله و مدارک قابل‌استناد باید موارد مشخصی را مورد توجه قرار دهد. بر طبق ماده ۶۲ موافقت‌نامه پایا، هیئت داوری بر مبنای گزارش دبیرخانه کارگروه تخصصی پایا و استماع نظرات و استدلالات طرفین اختلاف، بررسی‌های لازم را انجام داده و رأی صادر می‌کند». همچنین، «در صورت مغایرت بین اطلاعات ارایه‌شده توسط اعضا تنها اطلاعات پایا قابلیت استناد خواهد داشت» (ماده ۶۴ موافقت‌نامه پایا).

تصمیمی که هیئت داوری پایا اتخاذ می‌کند، با حداقل سه رأی موافق، قطعی و لازم‌الاجرا است (ماده ۶۳ موافقت‌نامه پایا). دبیرخانه کارگروه تخصصی پایا و نیز دبیرخانه هیئت داوری پایا در اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی مستقر می‌شود و این اداره انجام

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

امور مربوط به دبیرخانه این دو را برعهده دارد. همانند هیئت داوری ساتنا، در هیئت داوری پایا هم هریک از طرفین اختلاف می‌توانند از یک نماینده که فاقد حق رأی است، استفاده کنند. این نماینده می‌تواند با داشتن تخصص لازم در روند جمع‌آوری ادله و ارایه دقیق آن به بانک یا مؤسسه مالی خود در پیروزی در ادعا یا دفاع از خود در مقابل عضو دیگر پایا، مساعدت نماید. هرچند در موافقت‌نامه پایا تصریح نشده، اما بانک مرکزی می‌تواند از رأیی که توسط کارگروه تخصصی پایا یا هیئت داوری این سامانه صادر می‌شود، به‌عنوان دلیلی برای اعلام تخلف انضباطی اعضای پایا استفاده کند. البته، «تشخیص میزان خسارات واردشده و نحوه جبران آن برعهده بانک مرکزی است» (تبصره ماده ۶۹ موافقت‌نامه پایا) و تشخیص این امر ـ برخلاف ساتنا ـ در پایا به هیئت داوری واگذار نشده است.

۴.۳ نقش بانک مرکزی درحل اختلافات بازار بین‌بانکی ریالی

برای حل‌وفصل اختلافات احتمالی در بازار بین‌بانکی ریالی، دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین‌بانکی ریالی به تعیین مرجع رسیدگی و بیان برخی از قواعد حکام بر آن پرداخته است. بنابر بند (۱۳) ماده ۶ دستورالعمل مذکور، اعضای بازار بین‌بانکی ریالی «موظفند با اتخاذ تدابیر مناسب، اعمال روش‌های نوین بانکداری و اصلاح ساختار تشکیلاتی خود، هرگونه اختلاف، مغایرت و مشکلات حقوقی را به حداقل ممکن برسانند. درصورت بروز اختلاف و عدم‌حصول نتیجه، بانک مرکزی مشروط به پذیرش حکمیت این بانک از سوی سایر اعضا و پس از دریافت تقاضای کتبی از هریک از آنها توسط اداره اعتبارات، به‌عنوان داور رأی نهایی را صادر می‌نماید. رأی صادره از سوی طرفین دعوا لازم‌الاجرا است».

این بند، زیرعنوان ماده ۶ (مسؤولیت اعضا) ذکر شده و در دستورالعمل اجرایی بازار بین‌بانکی ریالی، ماده یا بند دیگری به بحث حل‌وفصل اختلافات اختصاص نیافته است. برای قسمت یکم بند (۱۳) ماده ۶ مذکور که اعضا را مکلف به کاهش اختلافات و مغایرت‌ها کرده، هیچ ضمانت‌اجرایی در دستورالعمل پیش‌بینی نشده است. به همین دلیل آن را باید صرفاً یک «توصیه اخلاقی» محسوب داشت. به‌علاوه، چنانچه در بند (۱۳) تصریح شده، حکمیت اداره اعتبارات بانک مرکزی به‌عنوان داور، مشروط به پذیرش سایر اعضا است. در دستورالعمل مشخص نشده که اگر سایر اعضای بازار بین‌بانکی ریالی از قبول حکمیت بانک مرکزی خودداری کنند، چه راهکاری برای حل‌وفصل اختلافات در بین خواهد بود. به‌عنوان قاعده عمومی، در این مورد باید اظهار داشت که حل‌وفصل اختلافات به‌وسیله دادگاه عمومی انجام خواهد گرفت.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نکته دیگر در مورد بند (۱۳) یادشده آن است که واژه «نهایی» در این بند به اشتباه به‌کار رفته است و باید به‌جای آن از عبارت «رأی قطعی» استفاده می‌شد، چراکه رأی نهایی، در اصطلاح حقوقی به معنای رأیی است که فرصت‌های تجدیدنظر و فرجام درمورد آن، به حکم قانون وجود دارد. به‌طور کلی، رأی صادره از بالاترین مرجع قانونی می‌تواند «نهایی» محسوب گردد و لذا رأی یک مرجع (اداره اعتبارات بانک مرکزی) که قابل اعتراض نیست، نهایی نبوده و «قطعی» است.

همچنین، عبارت «رأی صادره از سوی طرفین لازم‌الاجرا است»، در بند ۱۳ ماده ۶ دستورالعمل اجرایی بازار بین‌بانکی ریالی دارای اشتباه حقوقی است، زیرا در اکثر موارد، رأی صادره به‌نفع یکی از طرفین و به‌زیان طرف دیگر خواهد بود. در چنین مواردی، تنها محکوم‌علیه ملزم به اجرای رأی خواهد بود و موضوعی که محکوم‌له ملزم به اجرای آن باشد، وجود ندارد. بنابراین، عبارت «از سوی طرفین دعوا» در پایان بند (۱۳)، زاید است.[۱]

۴ جایگاه مطلوب بانک مرکزی در حل‌وفصل اختلافات بانکی

راهبری بانک مرکزی بر نظام‌های داخلی پرداخت، مدیریت و نظارت عالی این بانک بر بانک‌ها و نیز اختیار قانونی این نهاد در برقراری ارتباط با نهادهای پولی و بانکی خارجی، جایگاه خاصی را برای بانک مرکزی متصور می‌سازد که از یک سو، نمی‌توان آن‌را برای سازمان‌های دیگر در نظر گرفت و از سوی دیگر می‌توان از آن برای اهداف مختلف، ازجمله مدیریت عالی اختلافاتی که در نظام بانکی روی می‌دهد، بهره گرفت.

برای تحقق این هدف، بهترین راهکار طراحی الگوهایی برای حل‌وفصل اختلافات بانکی است که اجرا یا مدیریت آن به بانک مرکزی یا مرکزی که در این نهاد ایجاد می‌شود، واگذار شود. برای ارایه الگوهای یادشده، لازم است شیوه‌های قابل استفاده در حل‌وفصل اختلافات بانکی بررسی شود.

۱.۴ آسیب‌شناسی و دسته‌بندی اختلافات

آسیب‌شناسی اختلافات بانکی با تلاش برای یافتن پاسخ این پرسش مهم ارتباط می‌یابد که اختلاف بانکی چرا و چگونه به‌وجود آمده است. درواقع، در رویکرد آسیب‌سنجی به اختلافات، تنها حل‌وفصل فعلی و موردی آنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد و بر این موضوع تأکید می‌شود که چگونه می‌توان این دسته از اختلافات را به حداقل ممکن رساند. در مقام

---

[۱] نگاه کنید به السان (۱۳۹۰)، صص ۲۳۸-۲۳۰ و السان (۱۳۸۹)، صص ۲۰۱-۲۰۰.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

آسیب‌شناسی و آسیب‌سنجی اختلافات بانکی، یک نهاد تخصصی که ترجیحاً موقعیت راهبر یا ناظر را داشته باشد، بهترین گزینه به‌شمار می‌آید. چراکه به‌طور تخصصی با مسایل بانکی در ارتباط بوده و می‌تواند بهترین گزینه ممکن را با درنظرگرفتن تمامی شرایط و اوضاع و احوال پیشنهاد نماید.

شناخت نوع و صنف اختلافات بانکی و نیز دسته‌بندی آنها از حیث پرداختن به نقش مطلوب بانک مرکزی اهمیت خاصی دارد. برخی از اختلافات یا مسایلی که در رابطه بانک‌ها با یکدیگر یا با بانک مرکزی پیش می‌آید، نه‌تنها از صلاحیت بانک مرکزی بلکه از صلاحیت قوه قضائیه هم خارج است؛ چراکه باید قانونی برای برطرف کردن دایمی مشکل به تصویب برسد. برای مثال، این موضوع که در سازمان بانک غیردولتی چه مواردی (به عنوان اصل) باید مورد توجه قرارگیرد، مستلزم پیش‌بینی صریح در قانون است.

در مقابل، پاره‌ای از اختلافات بانکی باید علی‌الاصول با مراجعه به دادگستری حل‌وفصل شوند. درواقع، با توجه به اصل صلاحیت عام محاکم در رسیدگی به اختلافات، به‌ویژه در اختلافاتی که به‌نوعی با حقوق و تکالیف مشتریان بانک‌ها ارتباط می‌یابد، دخالت دادگاه ضروری است.

در غیر از مواردی که به‌طور صریح در صلاحیت قانون یا دادگستری است، می‌توان با در نظر گرفتن جایگاه حرفه‌ای و تخصصی بانک مرکزی در مسایل بانکی، این دیدگاه را تقویت کرد که اختلافات بانکی، تا حد امکان می‌توانند از طریق بانک یادشده یا با مدیریت و نظارت عالی این بانک مورد حل‌وفصل قرارگیرند. شیوه یا شیوه‌هایی که برای حل‌وفصل اختلافات بانکی معرفی می‌شود باید با ماهیت و واقعیات هر اختلافی مطابقت داشته و در آن اصول بنیادین حاکم بر حل‌وفصل اختلافات رعایت شده باشد.

۲.۴ شیوه‌های حل‌وفصل اختلافات بانکی

شیوه‌هایی که برای حل‌وفصل اختلافات بانکی پیشنهاد می‌شود، از حیث چهارچوب با شیوه‌های مرسوم برای حل‌وفصل اختلافات تفاوتی ندارند. این شیوه‌ها، ازجمله شامل داوری، سازش، مذاکره، میانجی‌گری و موارد مشابه است که با جرح و تعدیل‌های لازم، در حوزه اختلافات بانکی نیز قابل‌استفاده هستند. هرکدام از این شیوه‌ها و سازوکارها را می‌توان به‌طور خلاصه توضیح داد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۱.۲.۴ داوری

داوری مرسوم‌ترین شیوه غیردولتی برای حل‌وفصل اختلافات به‌شمار می‌آید. این شیوه از چنان امتیازات و تسهیلاتی برخوردار است که به‌ویژه در اختلافات تجاری، بر مراجعه به دادگاه‌های دادگستری ترجیح داده می‌شود. امروزه مراکز متعددی در داخل کشورها و در سطح بین‌المللی برای حل‌وفصل اختلافات تجاری تشکیل شده است. این مراکز داوری را به‌صورت سازمان‌یافته درآورده و اغلب دارای آیین دارسی و قواعد داوری مختص به خود هستند. برای مثال، اتاق بازرگانی بین‌المللی[1]، انجمن داوری آمریکا[2]، اتاق داوری لندن و مرکز بین‌المللی حل‌وفصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی[3] ازجمله نهادهای متشکل و مشهور داوری در سطح جهان به‌شمار می‌آیند.

ارتباط مسایل پولی و بانکی با منافع عمومی و دارایی‌های ملی مانع از آن شده که مرکز داوری خاصی برای حل‌وفصل اختلافات بانکی در سطح بین‌المللی به وجود می‌آید. با این حال، این امر به این معنا نیست که اختلافاتی از این دست از طریق داوری حل‌وفصل نمی‌شود یا به داوری قابل ارجاع نیستند. درواقع، پرونده‌های متعددی در سطح بین‌المللی وجود دارد که موضوع آن به‌طور مستقیم به اختلافات میان بانک‌ها ارتباط داشته و حتی طرف برخی از این دعاوی بانک‌های مرکزی هستند که به لحاظ نظری، مصونیت آنها و دارایی‌هایشان در سطح بین‌المللی ادعا می‌شود.

در ایران، قانون خاصی با عنوان «قانون داوری تجاری بین‌المللی» وجود دارد. علاوه‌بر آن، قسمتی از قانون آیین دادرسی مدنی به موضوع «داوری» و بیان قواعد و اصول حاکم بر آن اختصاص یافته که می‌تواند در عرصه اختلافات بانکی به‌کار گرفته شود.

ایجاد مرکزی برای داوری اختلافات بانکی در ایران می‌تواند با یک مانع، یا حداقل یک شبهه، روبه‌رو شود. این محدودیت به اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارتباط می‌یابد که به‌موجب آن، «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موکول به تصویب هیئت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند».

---

[1] international chamber of commerce

[2] american arbitration association

[3] international centre for settlement of investment disputes

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

بحث‌های مفصلی برای توضیح یا توجیه این اصل به عمل آمده است.[۱] این مطالعه درصدد تکرار آن مباحث نیست؛ درعین‌حال، می‌خواهد توجیه دیگری را به داشته‌های پیشین اضافه کند.

از لحن اصل ۱۳۹ قانون اساسی برمی‌آید که این اصل، درصدد ایجاد مانع برای حل‌وفصل اختلافات مربوط به دولت و اموال عمومی، به شیوه‌های غیرقضایی، یعنی بدون مراجعه به «دادگاه» است. به‌علاوه، این تفسیر موسع را نیز می‌توان اضافه کرد که مقصود اصل، پیشگیری از مصالحه و مسامحه در مورد اموال عمومی و دولتی است.

بنابراین، از یک سو، هرگاه نهادی همچون بانک مرکزی به موجب قانون وظایفی داشته باشد و در راستای ایفای آن وظایف یا به‌عنوان بخشی از وظایف و امتیازات قانونی خود اقدام به حل‌وفصل مصادیق خاصی از اختلافات بانکی نماید، نمی‌توان این وضعیت را مغایر با اصل ۱۳۹ قانون اساسی و به‌طور خاص فلسفه وجودی آن دانست. از سوی دیگر، داوری یا مذاکره در مورد اختلافات بانکی از طریق بانک مرکزی، هرگز به معنای کوشش برای حل‌وفصل غیرقانونی و مماشات در مورد آنها نیست. در سوی سوم، باید به این نکته مهم توجه داشت که اختلافات بانکی، لزوماً با اموال عمومی و دولتی در ارتباط نیستند، چراکه با توجه به توسعه بانکداری غیردولتی، ایراد اصل ۱۳۹ قانون اساسی نسبت به اموال و دعاوی بانک‌هایی که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آنها متعلق به بخش غیردولتی باشد، صادق نیست. به‌علاوه، بسیاری از اختلافات بانکی که بانک مرکزی می‌تواند در مورد آنها مداخله کند، جنبه اداری، حرفه‌ای یا سازمانی دارند و حتی بر فرض دولتی بودن بانک با اموال عمومی یا دولتی ارتباط نمی‌یابند.

به‌هرحال، حل‌وفصل اختلافات بانکی از طریق داوری تابع قواعد و تشریفات خاصی خواهد بود که حسب مورد از سوی بانک مرکزی تدوین و اعلام می‌گردد یا اینکه در مقررات موجود، به قواعد داوری آیین دادرسی مدنی یا سایر مراکز داخلی یا بین‌المللی داوری ارجاع می‌شود.

۲.۲.۴ مذاکره

در مورد هر اختلافی که در نظام بانکی به وجود می‌آید، می‌توان تا حدودی که با مقررات آمره تعارض نداشته باشد، موضوع را با مذاکره حل کرد. به‌ویژه در اختلاف میان بانک مرکزی و بانک‌ها در خصوص سامانه‌های پرداخت، استانداردهای ایمنی، معیارهای

[۱] نگاه کنید به امام (۱۳۷۳) و جنیدی (۱۳۷۶).

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

هماهنگی با استانداردهای جهانی بانکداری الکترونیکی و اینترنتی، مذاکره و استدلال منطقی می‌تواند شیوه مناسبی برای قانع کردن طرف مقابل و حل مسأله، پیش از تبدیل به یک اختلاف جدی باشد.

در فرایند مذاکره باید اصولی را مورد توجه قرار داد. اول اینکه، در مذاکراتی که انجام می‌شود بانک مرکزی نباید خود را در موقعیت برتری قرار دهد. درواقع «اصل برابری طرفین مذاکره» باید تا حد امکان رعایت شود. درعین‌حال، اگر از نظر بانک مرکزی، این بانک به استناد قوانین و مقررات مجبور باشد الزام‌هایی را به بانک یا مؤسسه اعتباری طرف مذاکره تحمیل نماید یا آن مؤسسه را در خصوص هماهنگی با چنین الزام‌هایی مورد بازخواست قرار دهد، چنین اقداماتی باید تا حد امکان همراه با استدلال، دلایل علمی و فنی و به دور از فضای سختگیرانه باشد.

دوم اینکه، طرفین مذاکره باید در سراسر فرایند آن و در خصوص تمامی ادله و مدارکی که در جریان مذاکره ارایه می‌دهند، از حسن نیت برخوردار باشند. بنابراین، هرگونه اظهار خلاف واقع یا کتمان حقیقتی می‌تواند منجر به بی‌نتیجه ماندن مذاکره شده و در رسیدگی قضایی یا داوری علیه طرفی که سوءنیت داشته مورد استفاده قرارگیرد.

سوم اینکه، اغلب مذاکره در مواردی به‌عنوان راهکار حل‌وفصل اختلافات موردتوجه قرار می‌گیرد که طرفین در موضوع مذاکره، دارای منافع مشترکی باشند. در صورت وجود چنین پیش‌شرطی، لازم است که طرفین در طول جلسات مذاکره منافع مشترک را مدنظر داشته باشند و از کارشکنی و اخلال و منفعت طلبی بدون دلیل بپرهیزند.

چهارم اینکه، هیچ منعی وجود ندارد که مذاکرات طرفین اختلاف، با حضور ناظر بی‌طرف یا اهل خبره باشد. بنابراین، در موضوعات تخصصی مثل استانداردهای بانکداری الکترونیکی (اعم از اجرای یک طرح توسعه یا ایمنی)، طرفین مذاکره اغلب از نظر کتبی یا شفاهی (حضوری) کارشناسان امر استفاده خواهند کرد تا دقت نتایج حاصل از مذاکره به حداکثر ممکن برسد.

پنجم اینکه، نتیجه مذاکره به‌طور معمول برای هر دو طرف منصفانه بوده و مورد رضایت آنهاست. درواقع، برخلاف رسیدگی قضایی و داوری، در این جا پیروزی یا شکست مطرح نیست. حتی اگر الزام‌هایی برعهده یکی از طرفین گذاشته شود، به‌نحوی آن طرف توجیه شده و رضایت وی برای این امر گرفته می‌شود. با این اوصاف، روش مذاکره در مواردی که بانک مرکزی قصد توسعه یا تحول تمام یا بخشی از نظام بانکی را دارد یا می‌خواهد مقرراتی را در زمینه خاصی به تصویب رساند، مفید خواهد بود. بدین صورت که پیش از اقدام یا حداکثر در حین اجرای آن، ضمن مذاکره با بانک‌ها هماهنگی لازم به عمل

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

می‌آید تا علاوه‌بر اینکه نظر مساعد بانک‌ها برای همکاری اخذ شود، احتمال بروز اختلاف، ناهماهنگی یا عدم‌همکاری در رابطه بانک‌ها با یکدیگر یا بانک مرکزی به حداقل ممکن برسد.

۳.۲.۴ میانجی‌گری

از جهت فرایند زمانی، توسل به میانجی‌گری[1] پس از «مذاکره» اتفاق می‌افتد. بدین معنا که در صورت بروز اختلاف، ابتدا طرفین سعی در مذاکره و حل‌وفصل آن می‌نمایند. در صورت عدم موافقت، هر یک از طرفین می‌تواند طرف دیگر را برای میانجی‌گری دعوت کند.

در مورد اختلافات میان بانک‌ها، میانجی‌گری می‌تواند با وساطت بانک مرکزی انجام گیرد. با فرض وجود مرکزی برای حل‌وفصل اختلافات بانکی، این مرکز آیینی برای میانجی‌گری خواهد داشت که ضمن رعایت مقررات آمره پولی و بانکی، از قواعد کلی میانجی‌گری تجاری بهره خواهد برد.

«میانجی» شخص بی‌طرفی است که بدون رعایت تشریفات قضاوت یا داوری، سعی در حل‌وفصل اختلافات طرفین می‌نماید. از حیث ماهوی هم میانجی‌گری از قاعده خاصی تبعیت نمی‌کند. تنها باید نتایج آن با قواعد آمره تعارضی نداشته باشد. حسن‌نیت طرفین و میانجی و درنظرگرفتن مقتضیات و واقعیت‌های روز بانکداری، شرط موفقیت این سازوکار در حل‌وفصل اختلافات بانکی است.

در صورتی که سازوکار میانجی‌گری تنها در بخشی از اختلافات طرفین موفق باشد، رسیدگی به اختلافات حل‌وفصل نشده می‌تواند از طریق شیوه‌های دیگر و مطلوب‌تر از همه «داوری» ادامه یابد. با وجود این روش‌های چندگانه، آزادی عمل طرفین تا حد امکان تضمین می‌شود. هرگاه اختلافات طرفین ترکیبی از اختلافاتی باشد که حتماً باید در دادگستری مطرح شود و در اختلافاتی که با شیوه‌های خصوصی قابل حل‌وفصل است نیز می‌توان از سازوکار حل‌وفصل چندگانه استفاده کرد.

استفاده از شیوه‌های چندگانه مفید در عرصه بانکداری که اختلافات طرفین با پول و بانک ارتباط می‌یابد و این موضوعات اغلب وجهه منافع عمومی دارند به‌طور ویژه خواهد بود. بدین معنا که در قراردادهای طرفین و در قسمت مربوط به «حل‌وفصل اختلافات» این قید گنجانیده شود که «جز در مورد آن دسته از اختلافاتی که به دلیل حکم قانون اساسی یا دیگر مقررات آمره یا ارتباط با حقوق کیفری، باید در دادگاه مطرح شوند، در سایر

[1] mediation

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

موارد، حل‌وفصل اختلافات طرفین با توسل به شیوه‌های غیردولتی، انجام خواهد گرفت». با این شرط قراردادی، طرفین می‌توانند به‌طور دقیق، سازوکارهای غیردولتی مدنظر خود را مشخص کنند.

۵ نتیجه و پیشنهادها

تخصص بانک مرکزی در مسئله‌های پولی و بانکی و عدم تخصص دادگستری در این زمینه موجب تقویت این منطق می‌شود که می‌توان حل‌وفصل اختلافات پولی و بانکی را تا حد امکان به بانک مرکزی یا مرکز تخصصی که زیر نظر این بانک تشکیل می‌شود، واگذار کرد. جایی که رسیدگی‌ها می‌تواند در سریع‌ترین زمان، با حضور افراد خبره و بدون دادرسی‌ها و جلسات بی‌ربط انجام گیرد. با این شیوه، حقوق و منافع عمومی که بانک مرکزی پاسدار آن در حوزه پولی و بانکی است نیز مدنظر قرار می‌گیرد و تا حد امکان از آنها صیانت می‌شود.

به‌عنوان یک راهکار عملی، بانک مرکزی می‌تواند با ایجاد مرکز داوری تخصصی برای اختلافات بانکی، امور و اقدامات زیر را به‌طور مستقیم یا از طریق مرکز مذکور عهده‌دار شود:

- *تدوین آیین داوری خاص اختلافات بانکی؛* با درنظرگرفتن مقتضیات و محدودیت‌های خاصی که این اختلافات با آن روبه‌رو هستند. در تدوین چنین مقرراتی می‌توان از قانون آیین دادرسی مدنی و نیز قواعد داوری مشهوری همچون قواعد و قانون نمونه داوری آنسیترال و قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی بهره گرفت. نکته مهم در تدوین این قواعد شکلی (آیین دادرسی) آن است که تا حد امکان، اختلافات بانکی باید مستقل از دولت و با حداقل مداخله از سوی دادگاه‌های وابسته به قوه قضائیه تحت رسیدگی داوری قرار گیرد.
- *تهیه و ارایه فهرستی از داوران و کارشناسان بانکی؛* با این اقدام، برای اختلافات و مسایلی که در حوزه بانکی پیش می‌آید، همواره داوران و کارشناسانی در دسترس خواهند بود که اصحاب اختلاف می‌توانند به داوری آنها مراجعه کنند. به‌علاوه، از این طریق داوران و کارشناسانی که در حوزه اختلافات بانکی تخصص دارند، تربیت می‌شوند و با حل‌وفصل سریع اختلافات احتمالی فعالیت روان و سالم نظام بانکی تضمین می‌شود.

در تدوین تشریفات خاص (آیین داوری) برای حل‌وفصل اختلافات بانکی، باید علاوه بر مقررات خاص بانکی، ازجمله قانون پولی و بانکی کشور، سایر مقتضیات بانکداری و نیز جایگاه بانک مرکزی هم مدنظر قرار گیرد. به عبارت دیگر، آیین داوری باید از حیث عدم‌مغایرت با نظم و منافع عمومی توجیه داشته باشد. به‌علاوه، در فرایند داوری اختلافات بانکی باید این موضوع مورد توجه قرار گیرد که در این شیوه از حل‌وفصل نمی‌توان نسبت به

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

اختلافاتی تعیین تکلیف کرد که به موجب مقررات یا به استناد «اصل صلاحیت عام دادگاه‌های دادگستری» از صلاحیت شیوه‌های غیردولتی حل‌وفصل اختلافات خارج است و در صلاحیت قوه قضائیه قرار دارد.

فهرست منابع

امام، ف. (۱۳۷۳). *حقوق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران* (چاپ اول). تهران: نشر یلدا.

جنیدی، ل. (۱۳۷۶). *قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی* (چاپ اول). تهران: نشر دادگستر.

دستورالعمل اجرایی عملیات بازار بین‌بانکی ریالی، مصوب مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۷ کمیسیون اعتباری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

السان، م. (۱۳۹۰). *حقوق پرداختهای بانکی* (چاپ اول). تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

السان، م. (۱۳۹۳). *حقوق بانکی* (چاپ سوم). تهران: انتشارات سمت.

قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۲۶ شهریور ۱۳۷۶ مجلس شورای اسلامی.

مقررات حاکم بر مرکز شتاب (۱۳۸۱). تهران: بانک مرکزی.

موافقت‌نامه عضویت در سامانه پایاپای الکترونیکی (پایا) ویرایش ۱/۰۰، اداره نظام‌های پرداخت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تاریخ تدوین ۱۳۸۸/۰۵/۲۰.

موافقت‌نامه عضویت در سامانه تسویه ناخالص آنی «ساتنا»، مصوب ۱۳۸۵/۸/۲۸ کمیته اجرایی نظام جامع پرداخت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]